

نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان

سولماز دبیری^۱

علی دلاور^۲

غلامرضا صرامی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۷

تاریخ وصول: ۸۹/۱/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی شادکامی براساس حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در دانشجویان بود. بدین منظور ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های حرمت خود روزنبرگ، شیوه‌های فرزندپروری بورای (فرم مادر) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود. برای تعیین و تحلیل رابطه بین متغیرها و پیش‌بینی تغییرات شادکامی، روش‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری قاطع با حرمت خود و شادکامی رابطه معنادار دارد. بین سبک مستبدانه و شادکامی رابطه منفی معنادار یافت شد. همچنین بین دختران و پسران در نمره شادکامی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳- دکتری روان‌شناسی تربیتی

آشکار شد که حرمت خود و سبک فرزند پروری مقتدرانه به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دارند. در مجموع نتایج حاکی از آن است که حرمت خود و نوع سبک فرزندپروری که والدین به کار می‌برند در شادکامی نقش اساسی و مهمی دارد.

واژگان کلیدی: شادکامی، حرمت خود، سبک‌های فرزند پروری.

مقدمه

از زمان‌های دور بشر به دنبال آرمان‌هایی بوده است که در آن با رضایت زندگی کند و از زندگی خود شاد و خشنود باشد. شادکامی و احساس بهزیستی ذهنی واژه‌هایی هستند که در روان‌شناسی امروز برای بیان این حالت به کار می‌روند. شادکامی^۱ که هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، نتیجه ارزشیابی افراد از خود و زندگی‌شان است (باس^۲، ۲۰۰۰). با توجه به حرکت روان‌شناسی مثبت و تأکید بر افزایش شادکامی باید عوامل مؤثر در شادکامی را مد نظر قرار داد. از جمله این عوامل می‌توان به حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری اشاره کرد (فورنهام و چنگ^۳، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰). حرمت خود به عنوان یکی از منابع روان‌شناختی تأثیرگذار بر شادکامی، بر نحوه‌ی ارزشیابی شخص از خود و اندازه‌گیری احساس وی از خود ارزشی‌اش در مقایسه با اینکه چگونه است و آرزو دارد چگونه باشد، دلالت دارد. ارزیابی مثبت از خود که در قالب حرمت خود بیان می‌شود برای بهزیستی ذهنی مثبت و ضروری است و به عنوان یک سپر و محافظ در مقابل ناسازگاری روان‌شناختی عمل می‌کند و باعث ارزیابی مثبت فرد از زندگی می‌شود (چا^۴، ۲۰۰۳؛ زانگ^۵، ۲۰۰۵).

-
1. happiness
 2. Buss
 3. Furnham & Cheng
 4. Cha
 5. Zhang

مسئولیت پذیر، متکی به خود، دارای انگیزه پیشرفت و اهل مشارکت با همسالان خود هستند (لامبورن^۱ و همکاران، ۱۹۹۱). سبک مقتدرانه پیامدهای تحولی مثبت، بهزیستی روان‌شناختی، خودارزیابی مثبت، سطوح بالای حرمت خود و سازگاری و انگیزش درونی برای یادگیری را به دنبال دارد (کریپس و زیرومسکی^۲، ۲۰۰۹). سطوح فرزندپروری به خصوص صمیمیت با سازگاری بعدی نوجوانان و حرمت خود آنها مرتبط است (سیارانو^۳ و همکاران، ۲۰۰۸؛ بلوچ تریکو^۴، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها در مورد سبک‌های فرزندپروری موید آن است که والدینی که از الگوهای سخت‌گیرانه استفاده می‌کنند، فرزندانی دارای مشکلات ارتباطی با همسالان و رفتارهای پرخاشگرانه خواهند داشت. در مقابل، والدینی که از سبک‌های گرم و پذیرنده استفاده می‌کنند، با مشکلات اجتماعی کمتری در فرزندان خود مواجه می‌شوند (ایزر^۵ و همکاران، ۲۰۰۵).

شواهد حاکی از رابطه مثبت معنادار بین حرمت خود و شادکامی است (ملکجه^۶، ۲۰۰۴؛ آیش - عبدو و آلامودین^۷، ۲۰۰۷). چن^۸ و همکاران (۲۰۰۶) در نمونه‌ای از دانشجویان چین دریافتند که حرمت خود پیش‌بینی کننده قوی بهزیستی و رضامندی زندگی است. در مطالعه چنگ و فورنهام (۲۰۰۴) حرمت خود و رابطه با والدین، نقش مهمی در پیش‌بینی مستقیم شادکامی داشتند. همچنین رابطه حرمت خود با افسردگی معکوس گزارش شده است.

نتایج پژوهش جوشن لو و رستگار (۱۳۸۶) نشان داد که حرمت خود نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی سعادت‌گرا در هر دو جنس دختر و پسر ایفا می‌کند. همچنین مرادی و همکاران (۱۳۸۴) نیز در یک بررسی مروری بدین نتیجه دست یافتند که شادکامی با ابعاد

1. Lambourn
2. Cripps & Zyromski
3. Ciairano.
4. Bloch-Torrico
5. Eiser
6. Malekjah
7. Ayyash-Abdo & Alamuddin
8. Chen

شناختی، اجتماعی، هیجانی و جسمانی شخصیت رابطه دارد که در بعد عاطفی، شادکامی با ثبات هیجانی، حرمت خود و خودکارآمدی رابطه دارد.

بی تردید سبک فرزندپروری والدین تأثیرات چشمگیری بر تحول فرزندان دارد. دوره نوجوانی دوره‌ی رشدی بی نظیری از زندگی است که فرد رادر حالت گذار از کودکی به جوانی و بزرگسالی قرار می‌دهد. این تجربه برای اولین بار با دوری از خانواده همراه است (آرنت^۱، ۲۰۰۰). برای بسیاری از نوجوانان، این تجربه با رفتن به دانشگاه توام است و تا حدودی اعضای خانواده را دچار بی ثباتی می‌کند. با توجه به اینکه نوجوانی گذر از وابستگی به روابط مستقل با والدین است، سبک‌های فرزندپروری می‌تواند نقش مهم و منسجمی را در کمک به نوجوان برای مواجهه با این چالش بزرگ ایفا کند (مک کینی و رنک^۲، ۲۰۰۸). از سویی شرایط زندگی دانشجویی، فشارهای روحی را در افراد افزایش می‌دهد و این افزایش به‌خصوص در میان افراد جوان بیشتر مشهود است. ایده و افکار خودکشی نتیجه غمگینی و افسردگی است. برخی پژوهش‌ها به بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری و حرمت خود با سلامت روان و اضطراب و افسردگی پرداخته‌اند. در ایران پژوهش‌ها در مورد رابطه سبک فرزند پروری و حرمت خود با شادکامی به ندرت انجام شده است و به تعیین سهم این عوامل در پیش بینی شادکامی پرداخته نشده است. با توجه به حرکت روان‌شناسی مثبت‌نگر در سال‌های اخیر در مورد نقش این متغیرها در شادکامی، نیاز به پژوهش هرچه بیشتر پیرامون شناسایی و تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان از جنبه‌های گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به مطالب ذکر شده و نقش متغیرهای نامبرده در شادکامی، هدف از انجام این پژوهش، تعیین سهم هریک از متغیرهای حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی شادکامی دانشجویان بود

1. Arnett

2. Mckinney & Renk

روش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع پیش بینی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل بودند. از کل جامعه ۳۵۰ دانشجو به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه علامه طباطبائی به طور تصادفی سه دانشکده انتخاب شد. سپس از هر دانشکده به طور تصادفی ۴ کلاس در مقطع کارشناسی انتخاب و پس از هماهنگی‌های لازم با آموزش دانشکده و استاد مربوطه پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان کلاس توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شد. پس از بررسی پرسشنامه‌ها، پرسشنامه‌های ناقص کنار گذاشته شدند و در نهایت ۳۱۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از کل آزمودنی‌ها تعداد ۱۹۷ نفر (۶۳/۵ درصد) دختر و ۱۱۳ نفر (۳۶/۵ درصد) پسر بوده‌اند. دامنه سنی گروه نمونه ۱۸ الی ۲۵ سال با میانگین ۲۰/۱۳ و انحراف استاندارد ۱/۴۹ بوده است.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد: پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد نسخه بهبود یافته فهرست شادکامی آکسفورد و دارای ۲۹ سؤال است که توسط هیلز و آرگیل^۱ (۲۰۰۲) ساخته شده است. فورنهام و بروین^۲ (۱۹۹۰) آلفای ۰/۸۷ را با ۱۰۱ آزمودنی گزارش کرده است. فرانسیس^۳ و همکاران (۱۹۹۸) آلفای ۰/۹۲ و در یک بررسی میان فرهنگی در چهار کشور مختلف ضرائب ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۸۹ را به دست آورده است. در ایران پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد توسط علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) به فارسی ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳، با روش دو نیمه کردن به روش اسپیرمن براون مقدار

1. Hills & Argyle
2. Furnham & Brewin
3. Francis

مادران سهل گیر ۰/۸۱ گزارش شده است. ضرایب پایایی مشابهی توسط برزونسکی^۱ (۲۰۰۴) گزارش شده است (۰/۹۰ برای والدین قاطع، ۰/۸۹ برای والدین مستبد، ۰/۷۸ برای والدین سهل گیر). ضرایب ثبات درونی هر بعد از PAQ هم توسط بوری برای مادران سهل گیر ۰/۷۵، مادران مستبد ۰/۸۵، مادران قاطع ۰/۸۲، پدران سهل گیر ۰/۷۴، پدران مستبد ۰/۸۷ و پدران قاطع ۰/۸۵ به دست آمده است (به نقل از کلین^۲، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر فرم مادر ابتدا ترجمه شد و توسط یکی از اساتید زبان انگلیسی نواقص ترجمه رفع شد. به منظور روایی صوری از چند نفر از اساتید و متخصصین روان‌شناسی نیز نظرخواهی شد. بعد از نظرخواهی و رفع برخی از تفاوت‌های ایجاد شده، نسخه‌ی فارسی پرسشنامه برای اجرا تهیه شد. هم‌چنین ضرایب پایایی خرده مقیاس‌ها به روش همسانی درونی محاسبه و آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های سبک فرزند پروری سهل گیر، مستبد و قاطع با ۳۱۰ نفر آزمودنی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد.

یافته‌ها

به منظور بررسی رابطه حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری با شادکامی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- حرمت خود	۱				
۲- سبک فرزندپروری سهلگیر	* ۰/۱۵	۱			
۳- سبک فرزندپروری مستبد	-۰/۱۱	-۰/۴۲**	۱		
۴- سبک فرزندپروری مقتدر	۰/۲۸**	۰/۳۰**	-۰/۲۴**	۱	
۵- شادکامی	۰/۶۸**	۰/۱۹**	-۰/۱۴*	۰/۴۶**	۱

* $P < 0.05$

** $P < 0.01$

1. Berzonsky
2. Klein

نقش پیش بینی کننده سبک های فرزندپروری و حرمت ... ۹

همانگونه که از جدول ۱ ملاحظه می شود، بین حرمت خود، سبک فرزندپروری مقتدر و سبک فرزندپروری سهلگیر با شادکامی رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبد با شادکامی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

به منظور تعیین نقش حرمت خود و سبک های فرزندپروری در پیش بینی شادکامی از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش بینی شادکامی

گام	متغیر	R	R ²	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معناداری	B	β	t	سطح معناداری
گام اول	حرمت خود	۰/۶۸	۰/۴۶	۱۵/۷۴	۲۱۵/۲۹	۰/۰۰۱	۶/۱۹	۰/۶۸	۱۴/۶۷	۰/۰۰۱
گام دوم	حرمت خود	۰/۷۳	۰/۵۴	۱۴/۶۰	۱۴۶/۲۹	۰/۰۰۱	۵/۴۶	۰/۶۰	۱۳/۴	۰/۰۰۱
	سبک فرزندپروری مقتدر						۱/۲۴	۰/۲۹	۶/۵۰	۰/۰۰۱

چنانچه از جدول ۲ مشاهده می شود در گام اول متغیر حرمت خود وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی ۴۶ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می کند. در گام دوم متغیر سبک فرزندپروری مقتدر نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین افزایش یافته است و این دو متغیر در مجموع ۵۴ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می کنند.

به منظور مقایسه نمرات شادکامی در بین دختران و پسران از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t برای مقایسه شادکامی بین دو جنس

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	سطح معنی داری
شادکامی	پسر	۱/۲۰	۲۱	۱/۱۶	۳۰۸	۰/۲۴۷
	دختر	۱/۱۷	۲۱/۶۰			

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود بین دختران و پسران در نمره شادکامی تفاوت معنی داری وجود ندارد [$t=1/16, P>0/05$].

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین سهم حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی شادکامی در دانشجویان بود. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای حرمت خود، سبک‌های فرزندپروری مقتدر و سهلگیر با شادکامی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. هم‌چنین بین سبک فرزندپروری مستبد و شادکامی رابطه منفی معنادار مشاهده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حرمت خود و سبک فرزندپروری مقتدر نقش معنی داری در پیش‌بینی شادکامی دارند. این نتایج با یافته‌های فورنهام و چنگ (۲۰۰۰)، چنگ و فورنهام (۲۰۰۴) و بلوچ-تریگو (۲۰۰۸) همخوانی دارد. چان و کو (۲۰۰۹) و کریپس و زیرومسکی (۲۰۰۹) نیز در تحقیقات خود دریافتند که نوع فرزندپروری با طیف وسیعی از رفتارها از جمله بهزیستی ذهنی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد. در پژوهش حاضر بهترین پیامد یعنی شادکامی مربوط به نوجوانان خانواده‌هایی است که سبک فرزندپروری مادر مقتدرانه بوده است. سبک مقتدرانه نتیجه محبت و کنترل به صورت توأمان است و شاید علت پیامدهای مثبت سبک مقتدرانه این باشد که فرزندان، کنترل بالا همراه با محبت بالا را نشانه‌ی اهمیت و رسیدگی والدین می‌دانند (سیمونس و کانجر، ۲۰۰۷). سبک فرزندپروری سهل‌گیر، حاصل محبت بالا و کنترل پایین است که به نوعی پذیرش بی‌قید و شرط نوجوان از طرف والدین است. ضمن این که کنترل پایین از سوی والدین بهترین هدیه به نوجوانی است که در جستجو یا استقلال است. در

خانواده‌هایی که والدین بی اعتنا هستند فرزندان بالاترین میزان اضطراب را تجربه می‌کنند. این پیامد ممکن است به این دلیل باشد که نوجوان بدون دریافت محبت والدین و اعمال کنترل از سوی خانواده، احساس رهاشدگی و معلق بودن می‌کند و پناهگاه امنی برای زمان‌های بحرانی نمی‌یابد. بنابراین، اضطراب بیشتری را تجربه می‌کند. اثرات منفی بی‌اعتنایی مادر روی پیامدهای نوجوانی بیشتر است. این امر در پژوهش حاضر نیز بیانگر نقش انکار ناپذیر مادران در جامعه و فرهنگ ایرانی است. هرگاه نوجوانان از طرف والدین محبت و توجه کافی را دریافت نکنند و با بی‌اعتنایی یک یا هر دو والد روبرو شوند احساس ارزشمند بودن خود را از دست می‌دهند و این امر پیش‌بینی‌کننده مهمی برای افکار ناامیدانه، عدم رضایت و افسردگی است. بی‌اعتنایی و رفتارهای نادرست والدین نتیجه محبت و کنترل پایین و در نتیجه بیانگر بی‌ارزشی و دوست‌داشتنی نبودن نوجوان است و این موضوع عامل خطرسازی از سوی والدین است که فرزندان را در معرض ناامیدی، افسردگی، اضطراب و بسیاری از پیامدهای منفی دیگر قرار می‌دهد. اما در نقطه مقابل، سبک فرزندپروری مقتدرانه محبت و کنترل را در سطح بالایی فراهم می‌کند و در نتیجه پیامدهای مثبت از جمله شادکامی را برای نوجوان به همراه دارد. به کار بردن سبک مناسب توسط یکی از والدین می‌تواند تا حدی از پیامدهای منفی بکاهد که با توجه به نتایج به دست آمده، اثر سبک فرزندپروری مادر قوی است و به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ایرانی، مادران نقش اول را در فرزندپروری بازی می‌کنند. البته اثرات نقش فرزندپروری پدر و ترکیب پدر و مادر نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

این یافته که حرمت خود نقش مهمی در شادکامی دارد با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط چنگ و فورنهام (۲۰۰۳)، آیاش - عبدو و آلامودین (۲۰۰۷)، ملکجاء (۲۰۰۴)، چن و همکاران (۲۰۰۶)، مرادی و همکاران (۱۳۸۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که حرمت خود عقیده‌ای است که فرد درباره‌ی مجموعه‌ی توانایی‌ها، ویژگی‌ها و شایستگی‌های خود دارد. کسی که حرمت خود بالا دارد هرگز اجازه نمی‌دهد که احساس اضطراب یا نبود احساس امنیت، او را آزرده کند. افراد دارای حرمت خود پایین از افسردگی و حس بیهودگی

رنج می‌برند و بهزیستی پایینی دارند (مروک^۱، ۲۰۰۶). در مقابل افراد با حرمت خود بالا در انجام تکالیف موفق‌تر و مستقل‌تر هستند و از یک نوع هدایت خود استفاده می‌کنند و در نتیجه احساس شایستگی و رضامندی دارند (هارتر و وایت سل^۲، ۲۰۰۳). افراد با حرمت خود بالا روانی، تغییرات و دگرگونی‌های زندگی را فرصتی برای پیشرفت شخصی تلقی می‌کنند نه به عنوان تهدید برای شکست، آن‌ها به ارزش و اهمیت خود باور دارند و کمتر با رویدادهای منفی زندگی شان مبارزه می‌کنند و در صورت عدم توانایی در حل مسأله قدرت سازگاری بالایی دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد بین حرمت خود و سلامت روان‌شناختی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. هرچه ارزیابی فرد از خود مثبت‌تر باشد، میزان رضایت مندی او از زندگی بالاتر رفته و عواطف مثبت بیشتری در او ایجاد می‌شود. به عبارتی حرمت خود با رضایت افراد از زندگی و عاطفه‌ی مثبت و شادکامی رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. با دقت به این نکته که عاطفه‌ی مثبت و شادکامی، از مؤلفه‌های اصلی سلامت روان‌شناختی در افراد هستند، می‌توان رابطه‌ی مثبت و معنادار بین دو متغیر حرمت خود و شادکامی را تبیین کرد. از آنجا که حرمت خود به نگرش کلی فرد نسبت به خود، در همه‌ی زمینه‌ها اشاره دارد، هسته‌ی اصلی سلامت روان شناختی افراد است. علاوه بر آن افراد با حرمت خود بالا در برخورد با وقایع استرس‌زا احساس کنترل بیشتری کرده، توانایی خود را مثبت ارزیابی و بهتر می‌توانند در چنین موقعیت‌هایی راهبردهای مسأله مدار را انتخاب کنند و در موقعیت‌های پرفشار مؤثرتر عمل می‌کنند. حرمت خود انعطاف پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می‌دهد و نگرش‌های مثبت در جهت پیشرفت احساس خودکفایتی را تقویت می‌کند (ویچروسکی^۳، ۲۰۰۰ به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵).

-
1. Mruk
 2. Harter & Whitesell
 3. Wichroski

پژوهش حاضر محدود به دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بود و در تعمیم یافته‌ها باید احتیاط شود. بهتر است در سایر دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی نیز چنین پژوهشی و با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر انجام شود. در پژوهش حاضر صرفاً سبک فرزند پروری مادر بررسی شده بود. با توجه به این که پدران و مادران در گستره وسیعی از ویژگی‌های فرزندپروری متفاوتند. بهتر است در پژوهش‌های بعدی بر سبک فرزند پروری پدر و تعامل روش‌های فرزندپروری پدر و مادر و اثرات این تعامل بر فرزندان تمرکز شود. همچنین نقش متغیرهای دیگر نیز در شادکامی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع فارسی

- جوشن لو، محسن و رستگار، پرویز. (۱۳۸۶). پنج رگه اصلی شخصیت و حرمت خود به عنوان پیش‌بین‌های بهزیستی فضیلت‌گرا. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۴(۱۳): ۲۴-۱۳.
- حقیقی، جمال؛ موسوی، محمد مهربانی زاده هنرمند، مهناز؛ بشلیده، کیومرث. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۳(۱): ۷۸-۶۱.
- زاده‌محمدی، علی؛ عابدی، علیرضا و خانجانی، مهدی. (۱۳۸۶). بهبود حرمت خود و خودکارآمدی در نوجوانان، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال ۴، شماره ۱۵، ۲۵۲-۲۴۵.
- علی‌پور، احمد و نوربالا، احمدعلی. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *مجله اندیشه و رفتار*، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، ۶۵-۵۵.
- محمدی، نوراله. (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ. *مجله روان‌شناسان ایرانی*، ۳۲ سال اول، شماره ۴، ۳۲۰-۳۱۳.

مظلومی محمودآباد، سعید؛ مهري، علی و مروتي شريف‌آباد، محمد علی. (۱۳۸۵). ارتباط بين اعتمادبه نفس و خودکارآمدی با رفتارهای بهداشتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، ۳(۲): ۱۱۱-۱۱۷.

نجفی، محمود؛ دهشیری، غلامرضا؛ دبیری، سولماز و شیخی، منصوره. (زیر چاپ). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان. *روان‌شناسی تربیتی*.

مرادی، مریم؛ جعفری، ابراهیم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت: بررسی مروری. *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۷، شماره ۲، ۷۱-۶۰.

منابع انگلیسی

- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480
- Ayyash-Abdo, H., & Alamuddin, R. (2007). Predictors of subjective well being among college youth in lebanon. *The Journal of social psychology*, 147(3)265-284.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 213-220
- Bloch-Torrico, G. (2008). Changes in Parenting To or From Changes in Adolescent Well-being? A Transactional Perspective. Dissertation, Concordia University..
- Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). *Socialization processes*. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N. Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366-428). New York: John Wiley and Sons.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119
- Buss, D. M. (2000). The evolution of happiness. *American Psychologist*, 55 (1), 15-23.
- Cha, K. H. (2003). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62-63, 455-477.
- Chan, T, & Koo, A. (2009). *Parenting Style and Youth Outcomes in the UK*, A paper were presented at the conference of the British Sociological Association, and a research seminar at the University of Oxford.
- Chen, X., Cheung, F., Bond, M and Leung, J. (2006). Going beyond self-esteem to predict life satisfaction: The Chinese case. *Asian Journal of Social Psychology*, 9, 24-35
- Cheng, H. & Furnham, A. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression, *Personality and Individual Differences* 34: 921-942
- Cheng, H. & Furnham, A. (2004). Perceived Parental Rearing Style, Self-Esteem and Self-Criticism as Predictors of Happiness. *Journal of happiness studies*. 5(1)1-21.

- Ciairano, S., Kliewer, W., Bonino, S., & Bosma, H.A. (2008). Parenting and adolescent well-being in two European countries. *Adolescence*, 43(169): 99-117
- Cripps, K & Zyromski, B. (2009). Adolescents' Psychological Well-Being and Perceived Parental Involvement: Implications for Parental Involvement in Middle Schools. *Research in Middle Level Education Online* 33(4): 1-13.
- Eiser, C., Eiser, J.R., Mayhew, A.G. & Gibson, A.T. (2005). parenting the premature infant: Balancing vulnerability and quality of life, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46, 11, 1169-1177.
- Francis, L. J., Brown, L. B., Lester, D., & Philipchalk, R. (1998). Happiness as stable extraversion: Across-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford happiness inventory among students in the UK, USA, Australia, and Canada. *Personality and Individual Differences*, 24, 167-171.
- Furnham, A., & Brewin, C. J. (1990). Personality and happiness. *Personality and Individual Differences*, 11, 1093-1096.
- Furnham, A., & Cheng, H. (1999). Personality as predictors of mental health and happiness in the East and West. *Personality and Individual Differences*, 27, 395-403.
- Furnham, A., & Cheng, H. (2000). Perceived parental behaviour, self-esteem, and happiness. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 35, 463-470.
- Harris, A., & Goodall, J. (2008). Do parents know they matter? Engaging all parents in learning. *Educational Research*, 50, 277-289.
- Harter, S., & Whitesell, N. R. (2003). Situation, whereas others report changes in self-worth. *Journal social influence process*, (pp. 50-59). Chicago: Aldine- Atherton.
- Hills, P & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*. 33: 1073-1082
- Jeynes, W. H. (2007). The relationship between parental involvement and urban secondary school student academic achievement: A meta-analysis. *Urban Education*, 42, 82-110.
- Jin, B. (2001). *Social psychological determination of life satisfaction in order adults*. Unpublished Dissertation, Indiana university.
- Klein, H., K. (2005). *Investigation of variables influencing college students' marital attitudes and fear of intimacy*; Unpublished Dissertation PhD, Ball state university, Muncie, Indiana.
- Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065
- Lawrence, J. Ashford K, Dent, P. (2006). Gender differences in coping strategies of undergraduate students and their impact on self-esteem and attainment. *Learning in Higher Education*. 7(3):273-81
- Maalekjah, R. (2004). *The study of relationship of happiness the self esteem among college students*. Unpublish thesis. University of british colombia

- Mann, Michal, Clemens M. H. Hosman, Herman P. Schaalma, and Nanne K. de Vries (2004), "Self-Esteem in a Broad-Spectrum Approach for Mental Health Promotion," *Health Education Research*, 19 (4), 357-72.
- McKinney, C, Renk, K (.2008). Differential parenting between mothers and fathers: Implications for late adolescents. *Journal of Family Issues*. 29:806-27.
- Mruk, C. (2006). Self-esteem research, theory, and practice: Toward a positive psychology of self esteem (3rd ed). New York: Springer.
- Shucksmith, J., Hendry, L., B. (1995). Glendinning A. Models of parenting: Implications for adolescent wellbeing within different types of family context. *Journal of Adolescence*.18(3): 253-270
- Simons, L., G, Conger, R., D. (2007). Linking mother-father differences in parenting to a typology of family parenting styles and adolescent outcomes. *Journal of Family Issues*, 28(2), 212-241.
- Zhang, L., W. (2005). Prediction of Chinese life satisfaction: Contribution of collective self-esteem. *International Journal of Psychology*, 40 (3), 189–200

